



The place of trust and trust-building components in Kelileh and Demneh

Ebrahim Zaheri abdevand

*I.associate professor in Persian language and literature, Shahrekord university, ,
Shahrekord, Iran*

Article Info

Article type:

Research Article

Received:

29/04/2024

Accepted:

22/12/2024

ABSTRACT

Trust is amongst the important issues reflected in literary texts, especially Kelileh and Demneh. Accordingly, the present study aims at investigating this issue in the view of sociologists such as Giddens, Fukuyama, and Putnam using the documentary study method. Research findings show that the atmosphere of the society described in Kelileh and Demneh is a kind of atmosphere in which trust-building norms and values are not seen and trust is threatened by hazards such as the impermanence of worldly life, natural disasters, diseases, weakness of political institutions and the spread of moral abnormalities. Such threats have given prominence to rational trust in Kelileh and Demneh; it means that the individuals trust each other on the basis of the profit and loss computation, and trust is a relative issue such that it is neither the complete trust in friends nor pure distrust in enemies. Trust radius is confined to the network of friends and relatives. However, others can also enter these networks through examination. To this purpose, people's life history must be investigated and analyzed and their moral, social, and personality traits should be known. Therefore, the trusted and trustworthy people should be wise, skilled and committed scientists who not only surrender to the superior but also criticize in such a way to avoid offending others. Moral traits such as doing good to others, kindness, forgiveness, and not paying attention to slanderous talks of the others, play an important role in attracting the subordinates' trust in superiors, and traits such as truthfulness, trusteeship, self-control, secrecy and benevolence are effective in attracting the superiors' trust in subordinates.

Keywords: Kelileh and Demneh, Trust, Knowledge, Cognition, Moral virtues.

Cite this article: Zaheri abdevand, Ebrahim, (2024), The place of trust and trust-building components in Kelileh and Demneh, The Two-quarter Journal of Interdisciplinary Research in Persian Language and literature, Vol. 3, New Series, No.1, Spring and Summer2024, pages: 129-151.

DOI: 10.30479/IRPLI.2024.20973.1197



© The Author(s).

Publisher: Imam Khomeini International University

***Corresponding Author:** Ebrahim Zaheri Abdevand

Address: associate professor in Persian language and literature, sharekord university, sharekord, Iran.

E-mail: zaheri@sku.ac.ir



جایگاه اعتماد و مؤلفه‌های اعتمادزا در کلیله و دمنه

ابراهیم ظاهری عبدوند*

۱. دانشیار زبان و ادبیات فارسی، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران

اطلاعات مقاله چکیده

اعتماد، از موضوع‌های مهم بازتاب‌یافته در متون ادبی به‌ویژه کلیله و دمنه است که هدف در این پژوهش نیز بررسی این مسأله در این اثر، براساس دیدگاه جامعه‌شناسانی چون گیدنز، فوکویاما و پاتنام و بر مبنای روش اسنادی است. یافته‌ها و نتایج پژوهش، نشان می‌دهد فضای جامعه مورد وصف در کلیله و دمنه، فضایی است که هنجارها و ارزش‌های اعتمادساز در آن دیده نمی‌شود و مخاطراتی چون ناپایداری زندگی دنیوی، بلایای طبیعی، بیماری‌ها، ضعف نهادهای سیاسی و رواج ناهنجاری‌های اخلاقی، اعتماد را تهدید می‌کنند. این نوع تهدیدات سبب شده است تا اعتماد عقلانی در کلیله و دمنه برجسته شود؛ چنان‌که افراد بر مبنای محاسبه سود و زیان، به دیگران اعتماد می‌کنند و اعتماد، امری نسبی است؛ نه اعتماد کامل به دوستان است و نه بی‌اعتمادی محض به دشمنان. شعاع اعتماد نیز بیشتر محدود به شبکه دوستان و خویشان است؛ اما افراد دیگر نیز می‌توانند از طریق آزموده شدن وارد این شبکه‌ها شوند. برای این امر، باید به بررسی پیشینه زندگی افراد پرداخت و طی آزمون‌هایی، ویژگی‌های اخلاقی، اجتماعی و شخصیتی آنان را شناخت. از این نظر، افراد مورد اطمینان و اعتماد، باید افرادی دانشمند خردورز صاحب مهارت و متعهد باشند و ضمن تسلیم بودن در مقابل فرادست، برای انتقاد، به گونه‌ای عمل کنند که به دیگری توهین نشود. صفت‌های اخلاقی چون نیکی کردن، مهربانی، بخشش، توجه نداشتن به بدگویی دیگران، در جلب اعتماد فرودستان به فرادستان نقش بسیار مهمی دارد و ویژگی‌هایی چون راست‌گویی، امانت‌داری، خویش‌داری، حفظ اسرار و خیرخواهی، در جلب اعتماد فرادستان به فرودستان مؤثر است.

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

دریافت:

۱۴۰۳/۰۷/۰۳

پذیرش:

۱۴۰۳/۱۰/۰۲

کلمات کلیدی: کلیله و دمنه، اعتماد، دانش، شناخت، فضایل اخلاقی

استناد: ظاهری عبدوند، ابراهیم (۱۴۰۳). جایگاه اعتماد و مؤلفه‌های اعتمادزا در کلیله و دمنه، دوفصلنامه پژوهش‌های میان‌رشته‌ای زبان و ادبیات فارسی سال سوم، دوره جدید، شماره اول، بهار و تابستان ۱۴۰۳: ۱۵۱-۱۲۹.



DOI : 10.30479/IRPLI.2024.20973.1197

حق مؤلف © نویسنده‌گان.

ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

۱. مقدمه و بیان مسئله

کلیده‌ودمنه از قدیمی‌ترین کتاب‌های علم سیاست و کیاست و از مهم‌ترین آثار ادبی است که مونس پادشاهان، مقبول عالمان، همدم افسانه‌گویان، انیس عامه، دستور حیات، مایه نجات، سرمشق اخلاق و راهنمای زندگی قرار گرفته و هنوز پس از سیزده چهارده قرن که از شهرت آن می‌گذرد، نزد خاص و عام بلند آوازه است (بهار، ۱۳۷۳: ۲۵۳؛ محجوب، ۱۳۹۷: ۹؛ شمیسا، ۱۳۸۶: ۸۵). اگر عامه مردم به سبب جنبه داستانی به آن تمایل داشته‌اند، برای اهل سیاست، عبرت گرفتن از سرگذشت‌های بازتاب‌یافته در آن، آموختن تدبیر امور و مسائل کشورداری مهم بوده است؛ موضوع‌هایی چون ویژگی‌های حاکم، وظایف حاکم و مردم در برابر یکدیگر، ویژگی‌های اخلاقی و اجتماعی زیردستان و روابط سیاسی و اجتماعی بین فرادستان با فرودستان.

در این روابط، حاکمان به دنبال دست‌یابی به اهداف خود بودند: «پادشاه از مردم محافظت می‌کند؛ اما نه به دلیل اهمیت و ارزش مردم، بلکه به دلیل سود و منفعتی که خود از آنان انتظار دارد» (دهقانیان، ۱۳۹۰: ۱۰۲) و زیردستان نیز در پی رسیدن به خواسته‌های فردی خود از طریق نزدیک شدن به پادشاه هستند. در این زمینه، پایداری روابط از اهمیت خاصی برخوردار است. پیامد روابط پایدار، کسب منافع متقابل و افزایش بهره‌وری است و برای ایجاد چنین روابطی، اعتماد اجتماعی نقش اساسی دارد. بی‌اعتمادی موجب عدم همکاری و بی‌میلی به مشارکت در کنش‌های سیاسی و اجتماعی می‌گردد و اعتماد سبب می‌شود تا حاکم، برای تدبیر امور، به دیگران اطمینان کند، برای حل مشکلات، از آنان یاری خواهد و برای انجام کارها، از آنان دعوت به همکاری نماید. در مقابل، زیردستان نیز نگاه مثبتی به نظام سیاسی می‌یابند، حاکم را فردی می‌شناسند که به طرز درستی عمل می‌کند و دستاوردها نیز مطابق انتظارات تحقق می‌یابند. در واقع حاکم و زیردست، هر دو به این باور می‌رسند کسی به دنبال آسیب‌زدن به دیگری نیست، همه حسن‌نیت دارند و در نتیجه، احساس امنیت و راحتی می‌کنند.

اهمیت اعتماد در شکل‌گیری روابط پایدار، سبب شده است تا این موضوع، در نظرگاه‌ها و گفتمان‌های گوناگون و از جنبه‌های مختلف در کلیده‌ودمنه واکاوی شود. در این کتاب، آثار مثبت و منفی اعتمادزایی یا سلب اعتماد در روابط بین افراد، به‌ویژه در عرصه سیاست، به تصویر کشیده و نوع و مبنای اعتماد نیز مشخص شده است؛ این‌که اعتماد بر اساس عقل باشد، یا مبانی اخلاقی یا هر دو که در انتخاب آن‌ها، نوع خطرهای تهدیدکننده اعتماد، بسیار تأثیرگذار بوده است. بر این اساس، خطرهای تهدیدکننده اعتماد در نظام سیاسی نیز تعیین شده‌اند. علاوه بر این، به نگرش‌های مختلف درباره عوامل تأثیرگذار بر اعتماد چون نقش میزان شناخت از افراد، دانش آنان، توجه به مؤلفه‌های دینی و اخلاقی، نقدپذیری و نوع شخصیت افراد توجه شده است. مسئله اصلی در این پژوهش نیز بررسی این

موضوع‌ها، در این اثر است. اهمیت پرداختن به چنین مسائلی، در این است که بسیاری از رفتارهای امروزی ایرانیان، ریشه در تجربه‌های زیسته و نگرش‌های گذشتگان آنان دارد. «جامعه کنونی ما، به‌خصوص جوامع سنتی و دارای تاریخ ایل- قبیله‌ای، وارث فرهنگ و اجتماعی است که در طول قرون متمادی شکل گرفته که در خود، شاهد آمد و شد و نبرد ایلات و قبایل، جنگ‌ها و غارت‌های اقوام بیگانه، ناامنی‌ها و بی‌سامانی‌ها و رخداد‌های بی‌شماری بوده که در فرهنگ و جامعه نقش بسته است و به اقتضای زمان، عوارض ناخوشایند خود را بروز می‌دهد و حتی مبنای بسیاری از کنش‌های اجتماعی امروز هستند» (صادقی، ۱۴۰۰: ۱۷). بر این اساس، ضروری است که موضوع‌های مهمی چون اعتماد در دوره‌های گذشته نیز بررسی شود. با توجه به این که دسترسی به فرهنگ گذشته، به‌صورت مستقیم تقریباً ممکن نیست، متون ادبی می‌توانند در این زمینه، نقش راهگشا داشته باشند؛ متونی چون کلیله‌ودمنه که هم بازتاب‌دهنده این نگرش‌ها و وضعیت جامعه هستند و هم این که با توجه به آموزش آن‌ها در سطوح مختلف آموزشی و دانشگاهی و بازنویسی و بازآفرینی آن‌ها در قالب‌های مختلف ادبی، حتی امروزه نیز در نهادینه کردن این نوع نگرش‌ها تأثیرگذار هستند.

۱-۱. پرسش‌های پژوهش

پرسش‌های پژوهش عبارتند از: در کلیله‌ودمنه، اعتماد چه اهمیتی دارد؟ از چه نوعی است؟ مبنای آن چیست؟ مخاطرات تهدیدکننده آن کدامند و چه عوامل اخلاقی، اجتماعی و شخصیتی در اعتمادزایی یا اعتمادزدایی نقش دارند؟

۱-۲. روش پژوهش

روش پژوهش، اسنادی با رویکرد توصیفی تحلیلی است. ابتدا با توجه به اهداف و مبنای نظری پژوهش، مؤلفه‌های اعتماد استخراج، سپس به دسته‌بندی مقوله‌ها و زیرمقوله‌ها و درنهایت به توصیف و تحلیل آن‌ها پرداخته شده است.

۱-۳. پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهش مستقلی درباره موضوع اعتماد در کلیله‌ودمنه انجام نشده؛ اما در برخی از پژوهش‌ها به این مسئله اشاره‌هایی شده است که به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود: تقوی (۱۳۷۶)، در کتاب حکایت- های حیوانات در ادب فارسی، به این نتیجه رسیده است که نباید به دشمنان اعتماد کرد. از نظر دهقانان (۱۳۹۰)، در مقاله «بررسی کارکرد قدرت و فرهنگ سیاسی در کلیله و دمنه»، از آن‌جا که پایگاه قدرت در کلیله‌ودمنه بیشتر مبتنی بر زور است، فرصت ایجاد اعتماد میان نظام سیاسی و مردم فراهم نمی‌شود

و اعتماد عمومی بین مردم نیز بسیار پایین است. آهی و مهربانی ممدوح (۱۳۹۳)، در مقاله «عمل‌گرایی (پراگماتیسم) در کلیله و دمنه»، به این نکته اشاره کرده‌اند که دوستی‌ها پایدار نیست؛ بنابراین نمی‌توان به دوستان اعتماد کامل داشت. عباس‌نژاد و همکاران (۱۳۹۹)، در مقاله «بررسی کارکرد رفتار سیاسی- سازمانی در حکایت شیر و گاو در کلیله و دمنه»، به این نتیجه رسیده‌اند که رفتار دمنه، ناشی از اعتماد پایین او بوده است.

۴-۱. چارچوب نظری پژوهش

از مهم‌ترین دغدغه‌های بشر در زندگی، دغدغه گسست اجتماعی و لزوم تداوم زندگی جمعی بوده که برای حل این مشکل، راه‌حل‌های مختلف، از جمله افزایش سرمایه اجتماعی و اعتماد پیشنهاد داده شده است (صادقی، ۱۴۰۰: ۱۹). سرمایه اجتماعی که در ارتباط با سرمایه‌گذاری افراد در شبکه‌های اجتماعی است، میزان ذهنیت مدنی اعضای جامعه، وجود هنجارهای اجتماعی اشاعه‌دهنده کنش جمعی و میزان اعتماد به نهادهای عمومی را در برمی‌گیرد (ریزر و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۷۶-۱۷۷). اعتماد به‌عنوان یکی از ابعاد مهم سرمایه اجتماعی، حسن ظن فرد به افراد جامعه است. اعتماد را می‌توان به‌عنوان اطمینان به اعتمادپذیری یک شخص یا نظام، با توجه به یک رشته پیامدها یا رویدادهای معین تعریف کرد. در آن‌جا که این اطمینان ایمان به صداقت یا عشق به دیگری یا صحت اصول انتزاعی را بیان می‌کند (گیدنز، ۱۳۷۷: ۴۱-۴۴). اعتماد داشتن این انتظار مثبت است که دیگران، براساس کلمات، اعمال و تصمیمات فرصت‌طلبانه عمل نمی‌کنند. اعتماد در طول زمان و بر پایه تعداد محدودی تجربه مربوط، شکل می‌گیرد. در واقع زمان زیادی باید بگذرد تا اعتماد به وجود آید و نهادینه شود. هرچه شناخت بیشتر و روابط گسترده‌تر شود، توانایی ایجاد انتظار مثبت اطمینان‌بخش بیشتر می‌شود. زمانی که افراد درباره دیگری چیزهایی می‌آموزند، سطح اعتماد تغییر می‌کند؛ بنابراین اعتماد را باید یک پدیده پویا به حساب آورد که تکامل آن مبتنی بر ادراکات در مورد ویژگی‌های شخصی اعتمادشونده است (زارعی متین و همکاران، ۱۳۸۸: ۳). اعتماد با این مسئله در ارتباط است که آیا فرد مطابق با ادعایش رفتار می‌کند یا نه. نمود اعتماد را براساس کردارها و شاخص‌هایی چون تمایلات همکارانه‌جویانه، اطمینان، صراحت، حسن ظن، صداقت، سهیم کردن و دگرخواهی نشان داده‌اند (هزارجریبی و مروتی، ۱۳۹۰: ۳۵). در بررسی اعتماد، سه رویکرد دیده می‌شود:

براساس دیدگاه‌های سطح خرد، اعتماد یک ویژگی فردی است؛ بنابراین با ویژگی‌ها و رفتارهای فردی ارتباط دارد و با توجه به این خصوصیات، می‌توان میزان اعتماد را سنجید. طبق رویکرد کلان، اعتماد اجتماعی نه یک خصوصیت فردی، بلکه ویژگی نظام اجتماعی است. مطابق با این دیدگاه، اعتماد افراد به دیگران، بیشتر به ارزیابی آنان از قابل اعتماد بودن محیط اطرافشان

برمی‌گردد تا به شخصیت و تمایلات فردی آنان. براین اساس، افرادی که در جامعه‌ای زندگی می‌کنند که نظام اجتماعی آن ثبات بالایی دارد و هنجارها و قواعد اجتماعی ازسوی دیگران رعایت می‌شود، اعتماد اجتماعی بالایی دارند. در رویکرد سوم، با تلفیق سطح خرد و کلان، تلاش می‌شود ابعاد مختلف اعتماد بررسی گردد و با در نظر گرفتن عوامل سطح خرد و سطح کلان در کنار یکدیگر، تبیین کامل‌تری از مسئله ارائه داده شود (محسنی‌تبریزی و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۶-۴۵).

از نظر ماهیت، نگرش‌های مختلفی درباره‌ی اعتماد وجود دارد: برخی آن را نگرش «شناختی» دانسته و معتقد هستند که اعتماد، به معنای «باور» به فرد مقابل است؛ اما گروهی آن را نگرشی «عاطفی» و از سنخ «تمایل» به فرد مقابل معرفی کرده و عده‌ای نیز آن را ترکیبی از باور و عاطفه برشمرده‌اند. همچنین برخی اعتماد را به جنبه‌های انگیزشی نسبت داده‌اند و به دنبال دلایل معرفتی نبودند؛ اما در مقابل گروهی، معتقد هستند به دیگران اعتماد می‌کنیم؛ چون دلیلی برای این باور داریم که شخص مقابل، ارزش اعتماد کردن را دارد یا می‌تواند داشته باشد. این گروه «دلایل باوری» را دلیل اعتماد می‌دانند (پاک‌نیا و خزاعی، ۱۴۰۲: ۷۴-۷۳).

گیدنز اعتماد را در سه سطح بررسی کرده است: اعتماد بنیادی، اعتماد بین‌شخصی و اعتماد انتزاعی و از دیدگاه او، چهار پیش‌زمینه بر اعتماد فرهنگ جوامع سنتی تسلط داشته است: نخستین زمینه اعتماد، نظام خویشاوندی است؛ دومین زمینه آن، اجتماع محلی و زمینه‌های بعدی سنت و کیهان‌شناسی مذهبی‌اند که در افزایش و کاهش اعتماد مؤثر هستند (گیدنز، ۱۳۷۷: ۸۸-۹۱). در جوامع سنتی، که شبکه اعتماد محدود و مختص به شبکه خانواده، دوستان و آشنایان بوده است، مخاطرات اعتماد عبارت بوده‌اند از: خطرهای طبیعی، خشونت‌های انسانی، از دست رفتن رحمت مذهبی و نفوذ جادویی بدخواهانه (همان: ۱۲۳).

تونیس معتقد است اعتماد که بیشتر در اجتماع (جوامع سنتی) وجود دارد تا جوامع مدرن، به‌طور مصنوعی ایجاد نمی‌شود، مبنای انسجام اجتماعی است و ارزش‌های دینی و اخلاقی آن را تقویت می‌کنند (میزتال، ۱۳۸۰: ۵۹).

أفه براساس ترکیب دوگانه «توده و نخبه» چهار حوزه برای اعتماد برشمرده است: نخستین حوزه، اعتماد شهروندان به همسری‌های خود است؛ دومین نوع، اعتماد شهروندان به نخبگان سیاسی یا سایر بخش‌هاست؛ اعتماد نخبگان به یک‌دیگر و به نخبگان دیگر بخش‌ها، سومین حوزه اعتماد را شامل می‌شود و چهارمین حوزه آن، اعتماد سطوح بالا به سطوح پایین جامعه است که در آن نخبگان، درباره‌ی گرایش‌های رفتاری بخش‌های مختلف یا کل توده‌ها به باورهایی دست می‌یابند (أفه، ۱۳۸۹: ۲۰۶).

فرانسیس فوکویاما اعتماد، شبکه‌ها و جامعه مدنی را محصول سرمایه اجتماعی می‌داند. از نظر او، در جوامع سنتی، شعاع اعتماد، ناچیز است و تمام اشکال گروه‌های فرهنگی - اجتماعی چون قبایل، عشایر، مجامع روستایی و فرقه‌های دینی، بر هنجارهای مشترک مبتنی‌اند و از این هنجارها، برای تحقق اهداف مشترک استفاده می‌کنند که این فرهنگ سنتی، متضاد با نوسازی اقتصادی در دوران مدرن است. دلیلش این است که همبستگی درون‌گروهی از قابلیت اعضای گروه، برای همکاری با افراد بیرون از گروه می‌کاهد (فوکویاما، ۱۳۸۹: ۱۶۹-۱۷۴).

رابرت پاتنام اعتماد، شبکه‌ها و هنجارها را از ویژگی‌های سرمایه اجتماعی برشمرده است؛ ویژگی‌هایی که هماهنگی و همکاری برای کسب سود متقابل را آسان می‌کند. از نظر وی، اعتماد چرخ‌های حیات اجتماعی را روغن می‌زند و جامعه‌ای که به عمل متقابل همگانی اتکا کند، کارآمدتر از جامعه بی‌اعتماد است. از دید او، سطوح مختلف اعتماد، به سرمایه اجتماعی و توسعه منجر می‌شود و تفاوت بین کارآمدی نهادها، ریشه در تفاوت میزان اعتماد دارد. در واقع اعتماد به وسیله شبکه‌های افقی مرتبط با جامعه مدنی ایجاد و تقویت می‌گردد؛ در حالی که شبکه‌های عمودی، به دلیل روابط سلسله‌مراتبی چنین ویژگی ندارند. سنت‌های دیرپای مشارکت مدنی و همبستگی اجتماعی ریشه در هزار سال قبل دارد و در جوامعی که هنجارهای مربوط به مشارکت و همکاری رایج هستند، توسعه بیشتر دیده می‌شود (پاتنام، ۱۳۸۹: ۹۵-۱۰۵؛ صادقی، ۱۴۰۰: ۱۶۶). در ادامه براساس این نظرات، موضوع اعتماد در کلیله و دمنه بررسی و تحلیل می‌شود.

۲. بحث و بررسی

۱-۲. اهمیت اعتماد در کلیله و دمنه

به اعتماد، به سبب تأثیری که بر زندگی انسان‌ها داشته، در تمام گونه‌های زندگی اجتماعی و در دوران‌های مختلف تاریخی توجه شده است؛ زیرا عنصری مهم برای هر اجتماع اخلاقی بوده، موجب پایداری آن می‌شده و هدایت مبادلات شخصی و فراشخصی، از طریق آن انجام می‌گرفته است (غفاری و نوایی، ۱۳۸۸: ۲۰۸). برای اعتماد کارکردهای بسیاری چون افزایش هبستگی و رفاه اجتماعی، بالابردن کیفیت نظم اجتماعی، مشروعیت حکومت‌ها، کاهش جرایم، افزایش مشارکت سیاسی و فعالیت‌های داوطلبانه برشمرده‌اند که این کارکردها، جایگاه و اهمیت اعتماد را در جوامع سنتی و مدرن نشان می‌دهد (مسعودنیا و همکاران، ۱۳۹۳: ۸۰). در کلیله و دمنه نیز اهمیت اعتماد کردن و مورد اعتماد واقع شدن، تا اندازه‌ای است که دست‌یابی به نیکویی‌ها و سعادت، در پیوند با آن دانسته شده است. در باب «گره و موش»، موش به گربه، در این‌باره می‌گوید: «هیچ‌کس از یافتن حسنات و ادراک سعادات از دو تن محروم‌تر نباشد: اول آن‌که بر کسی اعتماد نکند و به گفتار خردمندان، ثقت او مستحکم نشود؛ دیگر آن‌که

دیگران از قبول روایت و تصدیق شهادت او امتناع نمایند» (منشی، ۱۳۸۱: ۲۷۰). افرادی که به دیگران اعتماد نمی‌کنند و تهمت می‌زنند، جزو گروه‌هایی هستند که باید از آنان دوری جست. در باب «شیر و شغال»، مادر شیر، چنین به این موضوع اشاره می‌کند: «و از تقریب هشت کس حذر باید کرد [...] و آن‌که بی‌سببی در مردمان بدگمان گردد و بی‌دلیل روشن، اهل ثقت را متهم گرداند» (همان: ۳۲۶) و در مقابل به ایجاد ارتباط با چند گروه، توصیه شده است که یکی از آنان، افراد قابل اعتمادند: «آن‌که عقده عهد او به حوادث روزگار وهنی نپذیرد» (همان). در باب «بوف و زاغ» نیز به گروه‌های سیاسی از جمله شاهان، گوشزد شده است برای به سامان کردن کارها، باید به دیگران اعتماد کرد و زیردستان معتمد داشت: «چاره نیست ملوک را از مستشار معتمد و گنجور امین که خزانه اسرار پیش وی بگشایند و گنج رازها به امانت و مناصحت وی سپارند» (همان: ۱۹۹)؛ زیرا بدون داشتن مشاوران و کارگزاران قابل اعتماد، یا عمل نکردن بر اساس نظر افراد معتمد، جامعه روی به نابودی می‌گذارد: «چه هرکه به رای ناصحان مقبول سخن تمام هنر استظهار نجوید، درنگی نیفتد تا آن‌چه از مساعدت بخت و موافقت سعادت بدو رسیده باشد، ضایع و متفرق شود» (همان: ۱۹۷).

۲-۲. نوع و مبنای اعتماد

اعتماد یا بر مبنای عقلانیت شکل می‌گیرد، یا اخلاقیات. در اعتماد عقلانی، به محاسبه هزینه‌ها و منافع پرداخته می‌شود. به عقیده پژوهشگرانی چون کلمن، کنشگران، در یک رابطه مبتنی بر اعتماد، عقلانی عمل می‌کنند. اگر برای کنشگری، احتمال پیروزی در مقابل شکست بیشتر باشد، اعتماد می‌کند. این اصل ساده، مبتنی بر اصل به حداکثر رساندن سودمندی در وضعیت خطر است. انسان، موجودی عقلانی و کنش‌هایش، مبتنی بر گزینش معقولانه است؛ لذا همیشه در فکر این است که در روابط خود، حداکثر سود ممکن را کسب کند (میرفردی و احمدی قارنایی، ۱۳۹۵: ۳۶)؛ اما در اعتماد اخلاقی، ارزش‌ها، هنجارها و نگرش‌ها، از طریق فرایند جامعه‌پذیری انتقال می‌یابند. اعتماد اخلاقی، همان ارزش‌ها، هنجارها و نگرش‌هایی است که تعاملات مشارکتی را تعمیم می‌دهد و توانا می‌کند (صادقی، ۱۴۰۰: ۷۰).

در کلبه‌ودمنه، به صورت صریح در توصیه‌های سیاسی، از منفعت‌طلبی و مصلحت‌گرایی سخن به میان آمده و هدف از ارتباطات نیز دستیابی به منافع بیان شده است (آهی و مهربانی ممدوح، ۱۳۹۳: ۷۴). حاکمان برای انجام امور خود، با دیگران، ارتباط برقرار یا برای دفع ضرر، به قطع آن اقدام می‌کنند و زیردستان نیز برای رسیدن به مقام، می‌کوشند تا با افراد فرادست، ارتباط مبتنی بر اعتماد داشته باشند. بر این اساس، افراد می‌توانند به هر گروهی اعتماد کنند، به شرط این‌که به سود برسند؛ برای نمونه، در باب «پادشاه و فنزه»، از زبان فنزه بیان می‌شود حتی می‌توان دوباره به گناه‌کاران اعتماد کرد؛ به شرط این‌که آنان بتوانند به انسان سودی برسانند یا دفع ضرری کنند:

اگر کسی از گناه‌کاران را امکان تواند بود که در مراعات جوانب، لطفی به جای آرد و در طلب رضا و تحرّی فراغ دوستان سعی پیوندد و در کسب منافع و دفع مضارّ، معونت و مظاهرتی واجب دارد، ممکن است که آن وحشت برخیزد و هم عقیدت مستزید را صفوتی حاصل آید و هم دل خایف مجرم به نسیم امن خوش و خنک گردد (منشی، ۱۳۸۱: ۲۹۵-۲۹۶).

بنابراین باید گفت قاعده و اصل در ایجاد ارتباط و اعتمادورزی در کلیله و دمنه، منفعت است. افراد باید به محاسبه سود و زیان هر رابطه پردازند و به افرادی اعتماد کنند که سودرسان هستند. این امر نشان می‌دهد نوع اعتماد در این اثر، از نوع اعتماد عقلانی است. در کنش‌های عقلانی، ارزش نفع فردی مورد توجه قرار می‌گیرد و اشخاص به بررسی سود و زیان هر کنش می‌پردازند (جوادی یگانه، ۱۳۸۷: ۶۲-۶۳) که در کلیله و دمنه نیز اشخاص به محاسبه سود و زیان هر رابطه پرداخته و سپس به تدریج، به دیگران اعتماد کرده‌اند.

قاعده در اعتماد کردن نیز رعایت حد میانه است؛ چنان‌که به دوستان نباید اعتماد کامل داشت و نه از دشمنان قطع امید کرد. در این زمینه، برهمن به رای می‌گوید انسان خردمند در اعتماد کردن: «نه تألف دشمن فروگذارد و طمع از دوستی او منقطع گرداند و نه بر هر دوستی اعتماد کلی جایز شمرد و به وفای او ثقت افزاید» (منشی، ۱۳۸۱: ۲۶۷)؛ زیرا به سبب حوادث روزگار، ارتباط‌ها، دچار بی‌ثباتی می‌شوند؛ بنابراین در زمینه اعتماد کردن، براساس مقتضیات هر زمان، باید عمل کرد: «اغلب دوستی و دشمنی‌گی قایم و ثابت نباشد و هر آینه بعضی به حوادث روزگار استحالت پذیرد» (همان: ۲۶۶-۲۶۷).

۳-۲. خطرهای تهدیدکننده اعتماد

از نظر گیدنز، در نظام‌های سنتی، تهدیدات و خطرهای طبیعی مانند بیماری، سیل و زلزله، خشونت‌های انسانی چون غارتگری، جنگ و راهزنی، از دست رفتن رحمت مذهبی و نفوذ جادویی بدخواهانه، اعتماد را تهدید می‌کند (گیدنز، ۱۳۷۷: ۱۲۳). وی به سبب رواج زیاد این مخاطرات در جوامع سنتی، چنین محیط‌های فرهنگی را محیط‌های پر از دلهره و بی‌اطمینانی توصیف کرده است (همان: ۱۲۶).

در کلیله و دمنه، عوامل مختلفی چون ناپایداری زندگی دنیوی، آفت‌ها، بیماری‌ها و ضعف نهادهای سیاسی و دینی اعتماد را تهدید می‌کند. در واقع ناپایداری زندگی دنیوی و وجود آفت‌های گوناگون طبیعی، سبب شده‌اند تا افراد به کلیت زندگی اعتماد نکنند: «و بیاید شناخت که اطراف عالم پر بلا و عذاب است و آدمی از آن روز که در رحم مصور گردد تا آخر عمر، یک لحظه از آفت نرهد» (منشی، ۱۳۸۱: ۵۴). بیماری‌های جسمانی نیز سبب بی‌اعتمادی به انسان در حل مشکلات می‌شود. در آغاز تولد، انسان توان برطرف کردن نیازهای خود را ندارد و در ادامه، رنج تأدیب، جمع‌آوری مال، ازدواج و حرص زندگی، افراد را با مشکلاتی مواجه می‌کند. همچنین چهار طبع مخالف، پیوسته انسان را در رنج می‌افکند

و در کنار آن‌ها، بلاهای طبیعی و درد پیری و دشمنی‌ها، لذت زندگی را به تیرگی می‌کشاند(همان: ۵۴-۵۵). علاوه بر این به نهادها و نظام‌های اجتماعی و سیاسی نیز نمی‌توان اعتماد کرد. برزویه طبیب این‌گونه به تحلیل علت نداشتن اعتماد به نهادها اشاره کرده است:

خاصه در این روزگار تیره که خیرات بر اطلاق روی به تراجع آورده است و همت مردمان، از تقدیم حسنات قاصر گشته [...] خیرات، مردمان را وداع کردستی و افعال ستوده و اخلاق پسندیده، مدروس گشته و راه راست، بسته و طریق ظلالت، گشاده و عدل، ناپیدا و جور، ظاهر و علم، متروک و جهل، مطلوب و لؤم و دنائت، مستولی و کرم و مروّت، منزوی و دوستی‌ها، ضعیف و عداوت‌ها، قوی و نیک مردان، رنجور و مستذلّ و شیران، فارغ و محترم (همان: ۵۵-۵۶).

این توصیفات نشان می‌دهند رواج ناهنجاری‌های اجتماعی، سبب شده است تا برزویه طبیب، جامعه زمان خود را جامعه‌ای نابسامان توصیف کند؛ جامعه‌ای که هیچ چیز در آن، در جای خود قرار ندارد؛ بنابراین در چنین جامعه‌ای، بنای دوستی ضعیف و در پی آن، زمینه ایجاد اعتماد بین افراد وجود ندارد. از دیگر نهادها غیرقابل اعتماد در کلیله‌ودمنه، گروه‌ها و فرقه‌های مذهبی است. از نظر برزویه طبیب، به مذاهب مختلف اعتمادی نیست و همکاری با آنان، موجب گمراهی می‌شود؛ چون بنای کارشان، بر دلیل محکم قرار نگرفته است:

و خلاف میان اصحاب ملت‌ها هر چه ظاهر؛ بعضی به طریق ارث دست در شاخی ضعیف زده و طایفه‌ای از جهت متابعت پادشاهان و بیم جان، پای بر رکن لرزان نهاده و جماعتی حطام دنیا و رفعت منزلت میان مردمان، دل در پشتیبان پوده بسته و تکیه بر استخوان‌های پوسیده کرده و اختلاف میان ایشان، در معرفت خالق و ابتدای خلق و انتهای کار بی‌نهایت(همان: ۴۸).

چنین نظری به گروه‌های سیاسی به ویژه به دربار و شاهان نیز دیده می‌شود؛ چنان‌که دمنه در گفت‌وگوی با گاو، بیان می‌کند در نزدیکی پادشاهان، امنیتی نیست؛ زیرا افراد مالک نفس خود نیستند (همان: ۱۰۰). گاو نیز از زبان عالمان بیان می‌کند ناامن‌ترین و بی‌اعتمادترین جایگاه، نزدیک شدن به سلطان است (همان: ۱۰۳)؛ زیرا در دربار پادشاهان، افراد مکار حضور دارند که دسیسه‌چینی می‌کنند و همواره افراد را در معرض خطر قرار می‌دهند.

پیامد این بی‌اعتمادی به زندگی دنیوی، سرشت انسان و عملکرد نهادها در کلیله‌ودمنه، بدینی به زندگی است. در واقع زندگی انسان، بدون احساس اعتماد به خود و جهان، موجب اضطراب و کشمکش می‌شود که از هم‌پاشیدگی فرد و نابودی وی را به دنبال دارد (میرفردی و احمدی قارنایی، ۱۳۹۵: ۳۳). این وضعیت، در رفتار و گفتار شخصیت‌های حکایت‌های کلیله‌ودمنه چون برزویه طبیب و کلیله دیده می‌شود که این امر در نهایت موجب انفعال و کناره‌گیری آنان، از فعالیت‌های سیاسی شده است؛ با وجود این، در اکثر حکایت‌ها، راه‌های مختلفی برای حل مشکل بی‌اعتمادی باهدف تداوم زندگی جمعی و

جلوگیری از گسست اجتماعی، مطرح شده است که در ادامه به بررسی این راه‌کارهای اخلاقی و اجتماعی پرداخته می‌شود.

۴-۲. عوامل مؤثر بر اعتماد

متغیرهایی چون دینداری، ارزش‌های اخلاقی، قانون‌گرایی، احساس امنیت، احساس عدالت، پنداشت از میزان دینداری در جامعه و عملکرد دولت، مهم‌ترین متغیرهای تأثیرگذار بر اعتماد هستند که پژوهشگران مختلف به آن‌ها اشاره کرده‌اند (کتابی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۰۷). چنان‌که توضیح داده شد، در کلیله و دمنه افراد به اعتماد کردن به دیگران دعوت شده‌اند؛ اما برای این اعتماد کردن - به ویژه در روابط عمودی، یعنی روابط مطابق با نظام سلسله‌مراتبی که در آن‌ها توازن قدرت دیده نمی‌شود و افراد احساس مسئولیت و فعالیت برای رسیدن به اهداف مشترک نمی‌کنند؛ مانند اعتماد بین کارکنان و سرپرستان و برعکس (شجاعی باغینی و همکاران، ۱۳۸۷: ۳۴۵؛ هادوی نژاد و شریفی اصل، ۱۳۹۳: ۵۱) - به معیارها و اصولی باید پایبند باشند که این معیارها عبارتند از: میزان شناخت دیگری، تسلیم بودن، میزان دانش، دین‌مداری، اخلاق‌گرایی و دوری گزیدن از رذایلی چون طمع، منفعت‌گرایی فردی، ریاکاری، بدگویی و ترس:

۴-۲-۱. نقش «شناخت» در اعتمادسازی

همه گروه‌ها، نوعی شعاع اعتماد دارند و حلقه‌ای از افراد در هر گروه وجود دارد که هنجار همکاری در میان آنان اعمال می‌شود. در گروه‌های سنتی، شعاع اعتماد ناچیز است، همبستگی درون گروهی، از قابلیت اعضای گروه برای همکاری با افراد بیرون از گروه می‌کاهد و برای افراد بیرون از گروه، اغلب نتایج منفی به دنبال دارد (فکویاما، ۱۳۸۹: ۱۷۲-۱۷۳). از نظر اسلانر، اعتمادکنندگان به دو دسته عام‌گرا و خاص‌گرا تقسیم می‌شوند. عام‌گرایان به بیگانگان با خودشان اعتماد دارند؛ اما خاص‌گرایان، فقط به هم‌نوعان‌شان و از این‌که بیگانگان در ارزش‌های‌شان سهمی شوند، هراس دارند (غفاری و نوایی، ۱۳۸۸: ۲۱۵).

در کلیله و دمنه که شبکه ارتباطات بین افراد، به صورت عمودی است و در موقعیتی نابرابر، شاه در رأس شبکه قرار دارد، شعاع اعتماد بیشتر مربوط به شبکه دوستان و نزدیکان است (خاص‌گرا) و بیگانگان نیز برای مورد اعتماد واقع شدن، باید وارد چنین شبکه‌هایی شوند. در واقع افراد خارج از گروه، باید خود را به شاه بشناسانند و بدو تقرب جویند. پادشاه نیز تا زیردست خود را به درستی نشناخته باشد، نباید از آنان دعوت به همکاری کند. در این میان «آزمودن»، ابزاری است که پادشاه و عاملان از آن استفاده می‌کنند برای اعتماد کردن به دیگران؛ برای نمونه در باب «زرگر و سیاح»، برهمن به رای می‌گوید: «بر بدیهه بر کسی اعتماد فرموده نشود که موجب حسرت و ندامت گردد» (منشی، ۱۳۸۱: ۴۰۲). اهمیت

شناخت در ایجاد اعتماد به ویژه اعتماد سیاسی تا آن جاست که در باب «پادشاه و برهمنان»، بلار، با صراحت به پادشاه هشدار می‌دهد حاکمی که بدون شناخت به دیگران اعتماد می‌کند و کار به آنان می‌سپارد، نادان است (همان: ۳۸۳).

در شناختن افراد نیز به دو مسئله باید توجه داشت: ابتدا به بررسی زندگی‌نامه و پیشینه خانوادگی آنان باید پرداخت و سپس به ویژگی‌های شخصیتی و اخلاقی‌شان؛ چنان‌که در باب «شیر و گاو»، هنگامی که دمنه، خود را بر شیر عرضه می‌کند، شیر ابتدا درباره‌ی خانواده‌ی دمنه می‌پرسد که به او می‌گویند: «فلان پسر فلان. گفت آری پدرش را شناختم. پس او را بخواند» (همان: ۶۷). این گفت‌وگو، نشان می‌دهد خویشاوندی و نوع خانواده، در ایجاد اعتماد فرادستان به فرودستان، بسیار مهم بوده است.

در زمینه‌ی شناخت ویژگی‌های اخلاقی و شخصیتی نیز برهمن، در باب «زرگر و سیاح»، به رای می‌گوید: «چه پادشاه باید که صنایع خود را به انواع امتحان بر سنگ زند و عیار رای و رویت و اخلاص و مناصحت هر یک معلوم گرداند و معول دران تصون و تورع و صلاح را داند که مایه‌ی خدمت ملوک سدادست و عمدۀ سداد، خدای ترسی و دیانت» (همان: ۳۹۷). در باب «شیر و گاو» نیز دمنه زمانی که به نزد شیر می‌رود، به معرفی ویژگی‌های شخصیتی خود می‌پردازد و از نقش شناخت خصایل در ایجاد اعتماد سخن می‌گوید: «ملک تا اتباع خویش را نیکو شناسد و بر اندازه‌ی رای و رویت و اخلاص و مناصحت هر یک واقف نباشد، از خدمت ایشان انتفاعی نتواند گرفت» (همان: ۶۸).

برای شناخت ویژگی‌های شخصیتی افراد نیز آنان را باید آزمود و با وجود شناخت پیشینه‌ی زندگی‌شان، تا شناخت پس از مرحله‌ی آزمودن حاصل نشود، نباید اعتماد کرد. در واقع، برای اعتماد کردن به دیگران، باید مرحله‌به‌مرحله عمل نمود، افراد را آزمود و اگر فرد از بوتۀ امتحان، مُخْلِص بیرون آمد، از او برای انجام کارها دعوت به همکاری کرد. آزمودن افراد در دو موقعیت، بیشتر مهم است: زمانی که حاکم اشخاص را آن‌گونه که باید، نمی‌شناسد و زمانی که بین افراد، رابطه‌ی دشمنی وجود دارد. هنگامی که شناخت حاکم از افراد بسیار کم است، برای اعتمادسازی، آزمودن، نقش اساسی دارد؛ برای مثال در باب «شیر و گاو»، شیر شناخت کمی از دمنه دارد و از آن‌جا که دمنه را نیازموده و تنها بر اساس شناخت ابتدایی، از او دعوت به همکاری کرده است، مضطرب می‌شود:

شیر تأملی کرد و از فرستادن دمنه پشیمان شد و با خود گفت: در امضای این رای، مصیب نبودم؛ چه هر که بر درگاه ملوک بی‌جرمی جفا دیده باشد و مدّت رنج و امتحان او دراز گشته، یا مبتلا بوده، به دوام مضرت و تنگی معیشت و یا آن‌چه داشته باشد، از مال و حرمت، به باد داده و یا از عملی که مقلّد آن بوده است، معزول گشته [...] به حکم این مقدمات پیش از امتحان و اختیار تعجیل نشاید فرمود پادشاه را در فرستادن او به جانب خصم و محرم داشتن در اسرار رسالت (همان: ۷۱-۷۲).

سخنان شیر نشان می‌دهد اعتماد به فرودستان ناشناخته، زمانی به مرحله یقین می‌رسد که آزموده شوند؛ زیرا بدون آزمودن، ممکن است آنان در معتمد نشان دادن خود، صادق نباشند و به سبب زیان‌های رسیده، در لباس اعتماد، به دنبال جبران باشند.

در اعتماد به دشمنانی که اظهار دوستی می‌کنند نیز آزمودن، اهمیت بیشتری می‌یابد؛ چنان‌که در باب «بوف و زاغ»، یکی از وزیران بومان، به حاکم می‌گوید به دوستان نآزموده نباید اعتماد کرد، چه رسد به زاغی که دشمن است و آزموده نشده: «زینهار تا ملک به سخن او التفات نکند و افسون او را در گوش جای نهد، چه بر دوستان نآزموده اعتماد کردن از حزم دور است تا دشمن مکار چه رسد» (همان: ۲۱۳). همچنین در باب «گره و موش»، موش برای جلب اعتماد گربه، او را به آزمودن خود دعوت می‌کند: «صدق من به آزمایش معلوم خواهد گشت» (همان: ۲۷۰). چرا دشمنان، آسیب و ضرر بیشتری به افراد می‌توانند بزنند؛ چنان‌که حاکم بومان، نیازموده به زاغ، اعتماد می‌کند و بدین ترتیب زاغ، با شناخت کامل بومان، در فرصت مناسب با همکاری دیگر زاغان به آنان حمله می‌کنند و همه را از بین می‌برند.

۲-۴-۲. نقش دانش و خرد در اعتمادسازی

از جمله ویژگی‌های برشمرده شده برای افراد مورد اعتماد، توانایی و داشتن مهارت است:

توانایی، مجموعه‌ای از مهارت‌ها و شایستگی‌هاست که فرد را قادر به اثرگذاری و نفوذ بر دیگران در حوزه خاصی می‌سازد. حوزه خاص به معنای آن است که فرد مورد اعتماد، ممکن است در یک زمینه، شایسته‌تر از دیگر زمینه‌ها باشد. به اعتقاد سانبرگ، زمانی که فرد هدف اعتماد، شایسته و واجد صلاحیت ادراک شود، سطح اعتماد به وی افزایش می‌یابد (ارشدی و پیریایی، ۱۳۹۱: ۸۸).

البته نقش دانش و خرد در جلب اعتماد، همواره متأثر از وضعیت سیاسی و اجتماعی جوامع بوده است؛ چنان‌که درباره فرهنگ سیاسی گذشته ایران، این نظر وجود دارد که عدم اعتماد و احساس ناامنی، باعث می‌شد مشاغل و نقش‌های متعدد، از حساس تا غیرحساس، به گروه وفادار، متعهد و مطیع که به واسطه خویشاوندی این ویژگی‌ها را به صورت خودکار با خود حمل می‌کنند، واگذار شود (سریع القلم، ۱۳۸۹: ۶۲-۶۳).

بررسی واگذاری نقش‌ها به دیگران در کلیه‌ودمنه، نشان‌دهنده این است که پادشاهان، علاوه بر وفاداری و تعهد، به کسانی اعتماد می‌کردند که توانایی و مهارت نیز داشته باشند. در واقع بدین گونه نیست که چون افراد خویشاوند و دوست هستند، به آنان اعتماد کنند، بلکه به افراد توانای متعهد، بیش از خویشاوندان نادان اعتماد می‌شده است. این مهارت و توانایی نیز حوزه گسترده‌ای از علوم را در برمی‌گرفت؛ مهارت در زمینه ترجمه، پزشکی، سیاسی و اقتصادی؛ برای مثال هنگامی که خسرو انوشیروان، برآن است کتاب کلیله‌ودمنه را از هند به ایران بیاورد، اشاره می‌کند فرد مورد اعتمادش، باید در علم

به‌ویژه دانش ترجمه، مهارت داشته باشد: «آن خسرو عادل، همت بران مقصور گردانید که آن [کتاب کلیله‌ودمنه] را ببیند. فرمود که مردی هنرمند باید طلبید که زبان پارسی و هندوی بدانند و اجتهاد او در علم شایع باشد تا بدین مهم نامزد شود» (منشی، ۱۳۸۱: ۳۰). انوشروان در گفت‌وگو با برزویه نیز در این باره چنین می‌گوید: «پس از تأمل و استخارت و تدبّر و مشاورت، ترا به مهمی بزرگ اختیار کرده‌ایم. چه حال خرد و کیاست تو معلومست و حرص تو بر طلب علم و کسب هنر مقرر» (همان). بدین ترتیب اعتماد بین آنان ایجاد می‌شود و انوشروان از برزویه طیب دعوت به همکاری می‌کند. زمانی که برزویه به هند می‌رود، با افراد مختلفی ارتباط برقرار می‌کند تا این که با یکی از ایشان که اهل علم و هنر بود، بنای دوستی می‌گذارد:

دوستی و برادری را با او به غایت لطف و نهایت یگانگی رسانید تا به مدّت اندازه‌ی رای و رویت دوستی و شفقت او خود را معلوم گردانید و به حقیقت بشناخت که اگر کلید این راز به دست وی دهد و قفل این سرّ پیش وی بگشاید، دران جانب کرم و مروّت و حقّ صحبت و ممالحت را به رعایت رساند (همان: ۳۱).

در این گزارش، نشان داده شده است که برای اعتماد کردن به افراد ناشناخته، باید به ویژگی خردمندی آنان توجه داشت. در باب «بوف و زاغ» نیز زاغان در کارهای خود به افرادی اعتماد دارند که خردمند باشند: «و در میان زاغان پنج زاغ بود به فضیلت رای و مزیت عقل مذکور و به یمین ناصیت و اصابت تدبیر مشهور و زاغان در کارها اعتماد بر اشارت و مشاورت ایشان کردند» (همان: ۱۹۲). البته به همه افراد خردمند و صاحب دانش نیز نباید اعتماد کرد؛ زیرا ممکن است از این طریق، به دنبال به دست آوردن اعتماد و آسیب‌زدن باشند؛ چنان‌که زاغ برای جلب اعتماد بومان از دانش خود استفاده می‌کند: «زاغ هر روزی برای ایشان حکایت دل‌گشای و مثل غریب و افسانه عجیب می‌آوردی و به‌نوعی در محرمیت خویش می‌افزود تا بر غوامض اسرار و بواطن اخبار ایشان وقوف یافت» (همان: ۲۲۶) و در پایان با دستیابی به اسرار بومان، آنان را با کمک دیگر زاغان از بین می‌برد. بر این اساس باید گفت که در کلیله‌ودمنه اعتماد کلی نه به خویشاوندان است و نه به خردمندان، بلکه اعتماد به افراد خردمند متعهد و وفادار، مطلوب توصیف شده است.

۳-۴-۲. نقش دین و مؤلفه‌های اخلاقی در اعتمادسازی

پژوهشگران، برای افزایش اعتماد در جامعه، دین و ارزش‌های مذهبی را مؤثر دانسته و بر نقش باورهای مذهبی و دینی در متمایل ساختن افراد به شرکت در کنش‌های جمعی تأکید کرده‌اند. از نظر گیدنز، مهم‌ترین کار باورداشت‌های مذهبی، این است که معمولاً به تجربه رویدادها و موقعیت‌ها، اعتماد تزریق و چهارچوبی را فراهم می‌کند که در آن، این رویدادها را می‌توان تبیین کرد (گیدنز، ۱۳۷۷: ۹۰). نتایج

پژوهش‌های داخلی و خارجی نشان می‌دهد دینداری و مؤلفه‌های مربوط به آن، در زمره عوامل فزونی بخش اعتماد افراد در جامعه قرار دارد (عباس‌زاده و میرزایی، ۱۳۹۳: ۲۱۰). در آموزه‌های اسلامی نیز به برخی از مؤلفه‌های اخلاقی اعتمادساز توجه شده است؛ به مؤلفه‌هایی مانند وفای به عهد، امانت‌داری، رازداری، پرهیز از خیانت، صداقت، نفی تجاوز، عدالت، پاسخ‌گویی در نظام اجتماعی، نفی سوءظن و پذیرش عذر (خیری، ۱۴۰۱: ۲۶۶).

در کلیله و دمنه، معمولاً مسئولیت‌های سیاسی، به افرادی پیشنهاد می‌شود که به دین‌داری مشهور هستند؛ چنان‌که در باب «شیر و شغال»، اعتماد شیر به شغال، بر مبنای زهد و عفت بوده است: «به سمع ما رسانیده‌اند که تو در زهد و عفت منزلتی یافته‌ای و چون ترا بدیدیم، نظر بر خبر راجح آمد و سماع از عیان قاصر و اکنون بر تو اعتماد می‌خواهیم فرمود» (منشی، ۱۳۸۱: ۳۱۲). در باب «پادشاه و برهمنان»، ایران‌دخت نیز به پادشاه توصیه می‌کند برای تعبیر خواب، باید به کارایدون حکیم اعتماد کرد؛ چرا که وی فردی مذهبی است:

کارایدون حکیم برجای است. هر چند اصل او به براهمه نزدیک است؛ اما در صدق و دیانت برایشان راجح است و حوادث عالم بیشتر پیش چشم دارد [...] اگر رای ملک او را کرامت محرمیت ارزانی دارد و کیفیت خواب و تعبیر براهمه بر وی کشف فرماید، از حقایق آن ملک را خبر دهد (همان: ۳۶۶-۳۶۷).

در مقابل افرادی که پایبندی به اصول دینی و اخلاقی ندارند، مورد اعتماد نیستند. کارایدون حکیم در این باره به پادشاه می‌گوید نباید به براهمه اعتماد کرد؛ چون رفتار آنان مبتنی بر آموزه‌های دینی و عقلانی نیست: «ملک را مقرر باشد که آن ملاعین را اهلیت این نتواند بود که نه عقل رهنمای دارند و نه دینی دامن‌گیر» (همان: ۳۶۸). بلار نیز به پادشاه توصیه می‌کند به چهار چیز و کس، از جمله پادشاهان و حاکمان بی‌دین نباید اعتماد کرد؛ چراکه حاکمان بی‌دین، در ردیف حیوانات درنده‌اند: «ثقت خردمندان به چهار کس مستحکم نگردد: ماری آشفته، ددی گرسنه، پادشاهی بی‌رحمت و حاکمی بی‌دیانت» (همان: ۳۸۵).

البته نشان داده شده است که برخی از افراد، با تظاهر به دین‌داری، به دنبال رسیدن به خواسته‌های خود بوده‌اند؛ بنابراین در اعتماد به افراد دین‌دار نیز جانب احتیاط را باید رعایت کرد؛ چنان‌که در باب «بوف و زاغ» کبک انجیر و خرگوش، به سبب تعبد، گربه را معتمد به حساب می‌آورند و برای حل مشکل خود، از او کمک می‌خواهند که گربه از اعتماد آنان، سوءاستفاده و هر دو را شکار می‌کند (همان: ۲۰۸).

در کلیله و دمنه، علاوه بر دین‌داری، برخی مؤلفه‌ها و اصول اخلاقی و رفتاری، نقش مهمی در ایجاد اعتماد دارند؛ مولفه‌هایی چون اکرام و نیکی کردن که اگر از سوی حاکم باشد، موجب ایجاد اعتماد در زیردستان می‌شود؛ چنان‌که در باب «شیر و گاو»، شیر برای جلب اعتماد گاو، از طریق نشان دادن شفقت و اکرام به دنبال به دست آوردن اعتماد آن است: «چون به نزدیک او رسیدند، گاو را گرم بپرسید و گفت: بدین نواحی کی آمدی و موجب آمدن چه بوده است؟ گاو قصه خود را بازگفت. شیر فرمود که اینجا

مقام کن که از شفقت و اکرام و مبرت و انعام ما نصیب تمام یای» (همان: ۷۳). در باب «دوستی کبوتر و زاغ...»، زاغ بر این باور است که انسان‌های نیک و مصلح، قابل اعتماد هستند و انسان‌های پست و لئیم، غیرقابل اعتماد؛ بنابراین در دشمنی ذاتی بین افراد، باید بین انسان‌ها تفاوت گذاشت و با وجود دشمنی ذاتی، به انسان‌های نیک، اعتماد کرد: «کریم به یک ساعته دیدار و یک روزه معرفت، انواع دل‌جویی و شفقت واجب دارد، دوستی و بذاری را به غایت لطف و نهایت یگانگی رساند و باز لئیم را اگر چه صحبت و محبت قدیم مؤکد باشد، ازو ملاطفت چشم نتوان داشت» (همان: ۱۶۶). در باب «بوزینه و باخه»، جوانی از بوزنگان نیز از طریق نیکی و نوازش، اعتماد لشکر و رعیت را به دست می‌آورد و از این طریق به پادشاهی می‌رسد: «و به دقایق حیلت گرد استمالت لشکر برآمد و نواخت و تألف و مراعات رعیت پیشه کرد تا دوستی او در ضمائر قرار گرفت و دل‌های همه، بر طاعت و متابعت او بیارامید» (همان: ۲۴۰).

علاوه بر این، پادشاه باید موصوف به صفت‌هایی چون صبور، مهربان و بخشنده نیز باشد تا دیگر ارکان به او اعتماد کنند. در باب «پادشاه و برهمنان»، ایراندخت در این باره به پادشاه می‌گوید: «اگر بلار به کمال حلم و رأفت و فرط کرم و رحمت ملکانه ثقت مستحکم نداشتی، هرگز آن تأنی و تأمل نیارستی کرد» (همان: ۳۹۴).

ثابت رای بودن و خویشتن‌داری افراد نیز سبب می‌شود تا در حل مشکلات تکیه‌گاه شوند؛ چنان‌که برزویه به هندو می‌گوید: «خردمند اگر به قلعتی ثقت افزاید که بن‌لاد آن هر چه مؤکدتر باشد و اساس آن هرچه مستحکم‌تر یا به کوهی که از گردانیدن باد و ربودن آب در آن، ایمن توان زیست، البته به عیبی منسوب نگرده» (همان: ۳۳). علاوه بر این، در انجام امور به ویژه امور سیاسی نیاز به افرادی است که بتوان اسرار را با آنان در میان گذاشت. در این باره، برزویه به دوست هندویش می‌گوید: «قوی‌تر رکنی بنای مودت را کتمان اسرار است و من در این کار، محرم دیگر ندارم و اعتماد بر کرم عهد و حصافت تو مقصور داشته‌ام» (همان: ۳۴).

برای جلب اعتماد حاکم، خیرخواهی و اخلاص نقش مهمی دارد و افراد فرودست برای جلب اعتماد فرادستان، باید خود را فردی ایثارگر معرفی کنند؛ فردی که بدون در نظر گرفتن منفعت شخصی، به دنبال انجام دادن کارهایی برای فرد اعتمادکننده است؛ برای نمونه دمنه برای رهایی خود از شک شیر، خود را فردی خیرخواه نشان می‌دهد که کارهایش تنها برای خیر پادشاه و در این راه نیز حاضر به فدا کردن جان خود است: «وگر مرا هزار جانستی و بدانی که در سپری شدن آن، ملک را فایده است و رای او را بدان میلی، در یک ساعت به ترک همه بگویم» (همان: ۱۳۹). همچنین فرودستان باید در نقل مطالب، امانت‌دار باشند و از دروغ پرهیزند تا شاه آنان را شایسته اعتماد بیابد. در باب «زرگر و سیاح» برهمن برای راهنمایی رای، در زمینه انتخاب خدمتگاران و اصطناع آنان می‌گوید:

صدق خدمتکار و احتراز او از تحریف و تزویر و تفاوت و تناقض باید که هم تقریر پذیرد و راستی و امانت در قول و فعل به تحقیق پیوندد؛ چه وصمت دروغ عظیم است و نزدیکان پادشاه را تحرز و تجنب از آن لازم و فریظه باشد و اگر کسی را این فضیلت فراهم آید تا به حق‌گزاری و وفاداری شهرتی تمام نیابد و اخلاص او در حق دیگران آزموده نشود، ثقت پادشاهان باحزم هرگز بدو مستحکم نگردد (همان: ۳۹۸-۳۹۹).

در مقابل فضایل اخلاقی، برخی از صفتهای شخصیتی و رذایل نیز وجود دارد که در اعتمادزدایی نقش اساسی دارند؛ صفتهایی چون بدگوهر بودن، کژمزاجی، چرب‌زبانی، بدگویی، مکاری، فحاشی و دزدی. در واقع رواج ناهنجاری‌ها و ضد ارزش‌هایی چون موارد برشمرده شده، سبب گردیده است تا فضای بی‌اعتمادی در جامعه مورد وصف در کلیله و دمنه شکل بگیرد و به جای این‌که ارزش‌ها و هنجارها در شکل‌گیری اعتماد نقش داشته باشد، افراد برای اعتمادسازی، به کنش‌های عقلانی گرایش یابند؛ برای مثال در باب «پادشاه و برهمنان»، ایراندخت به پادشاه می‌گوید به افرادی که ذات بدی دارند و جزو شبکه دوستانش قرار نمی‌گیرند، هرچند عالم باشند، نباید اعتماد کرد: «ملک را این یاد می‌باید داشت که براهمه او را دوست ندارند و اگر چه در علم خوضی پیوسته‌اند، بدان دالت هرگز سزاوار امانت نگردند و شایان تدبیر و مشورت نشوند که بدگوهر لئیم به هیچ پیرایه جمال نگیرد» (همان: ۳۶۴-۳۶۵). رفتار انسان‌های کژمزاج نیز بر اساس راستی که از عوامل تقویت‌کننده اعتماد است، قرار ندارد؛ بنابراین چنین افرادی قابل اعتماد نیستند: «بباید شناخت ملک را که از کژمزاج، هرگز راستی نیابد و بد سیرت مذموم طریقت را به تکلیف و تکلف بر اخلاق مرضی و راه راست آشنا نتوان کرد» (همان: ۹۴). در اعتماد به افراد چرب‌زبان، باید احتیاط کرد؛ چنان‌که در باب «بوف و زاغ»، وزیر مخالف بومان به ملک می‌گوید: و هر دشمن که به سبب دوری مسافت، قصدی نتواند پیوست، نزدیکی جوید و خود را از ناصحان گرداند و به تقرب و تودد و تملق و تلطف خویشتن در معرض محرمیت آرد و چون بر اسرار وقوف یافت و فرصت مهیا بدید، باتقان و بصیرت دست به کار کند و هر زخم که گشاید، چون برق بی‌حجاب باشد (همان: ۲۲۲).

اعتماد به انسان‌های مکار نیز می‌تواند زیان‌های زیادی به دنبال داشته باشد؛ چنان‌که اعتماد به دمنه، موجب آسیب‌زدن به نزدیکان شیر می‌شود و از نظر بلار نیز اعتماد به افراد بدعهد مکار، موجب تباهی خدمتی می‌شود که فرد در همه عمر انجام داده است (همان: ۳۸۸).

بدگویی دوستان و دشمنان، در سلب اعتماد پادشاه از دیگران بسیار تأثیرگذار است. در باب «شیر و گاو»، دمنه در گفت‌وگویی با شیر می‌گوید: «هر که در خدمت پادشاه ناصح و یک‌دل باشد، خطر او زیادت است. برای آن‌که او را دوستان و دشمنان پادشاه جمله خصم گردند. دوستان از روی حسد و منافست، در جاه و منزلت و دشمنان از وجه اخلاص و نصیحت در مصالح ملک و دولت» (همان: ۱۳۲).

در باب «شیر و شغال»، شغال نیز در گفت‌وگوی با شیر، چنین به دلایل بدگویی دوستان، فرادستان و فرودستان و نقش آنان در اعتمادزایی اشاره می‌کند: «شغال گفت اگر حال بر این جملت است مرا امانی باید داد که چون یاران قصدی پیوندند، زیردستان به امید منزلت من و زبردستان از بیم منزلت خویش، به اغرای ایشان، بر من متغیر نگردی و در آن تأمل و تثبّت ورزی و شرایط احتیاط هر چه تمام‌تر به جای آری» (همان: ۳۱۵). علاوه بر این پادشاه نباید به گروه‌های چون «دزدی مقتحم، حشم ستنبه، فحاش آزرده و اندک عقلی نادان» (همان: ۳۸۶) اعتماد کند. همچنین نباید اسرار را با دوستان نومید و دشمن هراسان در میان بگذارد: «پادشاهان را در تحصین خزاین اسرار احتیاط هر چه تمام‌تر فرض است، خاصه از دوستان نومید و دشمنان هراسان» (همان: ۲۲۹). در نهایت باید گفت وقتی فرد از سوی دیگری احساس امنیت نکند، اعتماد کردن به آن فرد از عیب خالی نیست؛ چنان‌که موش به زاغ می‌گوید: «میان من و تو راه محبت به چه تأویل گشاده تواند بود؟ که من طعمه توام و هرگز از طمع تو ایمن نتوانم زیست [...] فریفته شدن بدان از عیب خالی نماند و هرگز ثقت خردمند به تأکید بنیاد آن مستحکم نگردد» (همان: ۱۶۲ و ۱۶۵).

۴-۴-۲. نقش تسلیم بودن در برابر فرادست در اعتمادزایی

در فرهنگ سیاسی آمرانه، تسلیم بودن و چاپلوسی، از جمله راهکارهایی هستند که افراد از طریق اعمال آن‌ها، می‌کوشند اعتماد افراد در رأس حکومت را به دست آورند و خود را به آنان نزدیک کنند؛ با این حال در این فرهنگ سیاسی، موضوع اعتراض و انتقاد نیز وجود دارد که به دو شکل اتفاق می‌افتد: یکی اعتراض از موضع اخلاق که به شکل عزلت‌گزینی خود را نشان می‌دهد و دیگری اعتراض ناگهانی و عصبی که پس از برهه‌ای کوتاه، دوباره، جای خود را به اطاعت و تابعیت محض و در نتیجه اعتماد می‌دهد (بشیریه، ۱۳۷۵: ۷۷).

در کلیله و دمنه، در زمینه اطاعت از خواسته پادشاه یا نقد رفتار او و راهنمایی کردنش، اصل این است که کارگزار باید در برابر پادشاه تسلیم باشد تا اعتماد پادشاه حفظ شود؛ چنان‌که دمنه در گفت‌وگوی با کلیله می‌گوید کارگزار باید از خواسته پادشاه متابعت کند: «اگر قربتی یابم و اخلاق او را بشناسم، خدمت او را به اخلاص عقیدت پیش گیرم و همت بر متابعت رای و هوای او مقصور گردانم و از تقبیح احوال و افعال وی بپرهیزم» (منشی، ۱۳۸۱: ۶۶). گاو نیز با تسلیم بودن است که اعتماد شیر را به دست می‌آورد (همان: ۷۳-۷۴). با این حال، کارگزاران می‌توانند با رعایت جوانب کار، به راهنمایی پادشاه بپردازند، به رفتار و اندیشه او اعتراض کنند؛ البته به گونه‌ای که اهانتی در این اعتراض‌ها و انتقادهای نباشد؛ چنان‌که دمنه به کلیله می‌گوید در صورت نزدیک شدن به پادشاه، چنین عمل می‌کند: «پس از تأمل و تدبّر به رفق هر چه تمام‌تر و عبارت هر چه نرم‌تر و تواضعی در ادای آن هر چه شامل‌تر، غور و غایله آن، با او

بگویم و از وخامت عاقبت آن، او را بی‌اگاهانم» (همان: ۶۶). دمنه به شیر نیز می‌گوید زمانی کارگزار می‌تواند به راهنمایی بپردازد که شاه از سخنان کراهیت‌آمیز کارگزار، ناراحت نشود و کارگزار نیز به شاه در این زمینه اعتماد داشته باشد: «هر سخن که از سماع آن شنونده را کراهیت آید، بر ادای آن دلیری نتوان کرد، مگر که به عقل و تمییز شنونده ثقتی تمام باشد» (همان: ۸۸). البته برخی از شخصیت‌ها به صورت آشکار به نقد رفتار پادشاه پرداخته‌اند و این امر بر اعتماد پادشاه به آنان نیز افزوده است؛ چنان‌که در باب «پادشاه و برهمنان» بلار، رفتار و اندیشه پادشاه را مورد نقد قرار داده تا اندازه‌ای که خشم پادشاه را برانگیخته است؛ اما از آن‌جا که پادشاه، این نقدها را در جهت اصلاح مملکت می‌داند و اخلاص عقیده او را می‌بیند، اعتمادش به بلار بیشتر می‌شود: «ملک بلار را گفت: بزرگ متنی متوجه گردانیدی و من همیشه به مناصحت تو واثق بوده‌ام، لکن امروز زیادت گشت» (همان: ۳۹۴-۳۹۵).

۳. نتیجه‌گیری

در کلیه دمنه، افراد برای رسیدن به منافع فردی و جمعی خود، نیازمند به اعتماد کردن و مورد اعتماد واقع شدن هستند و اهمیت اعتماد در روابط بین افراد، تا آن‌جاست که دست‌یابی به سعادت، در گرو ایجاد آن دانسته شده است. در این اثر، نوع اعتماد بیشتر از نوع عقلانی است تا اخلاقی؛ چراکه اعتماد بر اساس محاسبه سود و زیان شکل می‌گیرد و مخاطراتی چون بیماری‌ها، آفت‌های طبیعی، ضعف نهادهای سیاسی و اجتماعی، سبب شده است تا در جامعه، ارزش‌ها و هنجارهای مؤثر در ایجاد اعتماد نهادینه نشود. در چنین وضعیتی، شعاع اعتماد محدود به شبکه‌های آشنایان است و دیگران برای ورود به این شبکه، باید شناخته شوند. در واقع پس از شناخت پیشینه زندگی و خصوصیات اخلاقی و فردی افراد بیگانه از طریق آزمون، می‌توان به آنان اعتماد کرد. برای جلوگیری از گسست اجتماعی و ایجاد اعتماد، در جامعه‌ای که فضای بی‌اعتمادی بین گروه‌های مختلف آن حاکم می‌باشد، اصولی پیشنهاد شده است؛ چنان‌که از حاکمان خواسته شده است بیش از خویشاوندان و دوستان، به افراد صاحب دانش و مهارت متعهد اعتماد کنند و زیردستان نیز باید برای جلب اعتماد پادشاهان، در برابر آنان تسلیم باشند و در صورت انتقاد کردن، در انتقادهایشان قصد خیرخواهی دیده شود. اگر فرودستان برای جلب اعتماد فرادستان، باید افرادی دین‌دار، راست‌کردار و گفتار، امانت‌دار، حافظ اسرار و خیرخواه باشند، فرادستان مورد اعتماد نیز افرادی هستند اهل رحم، متدین، نیکوکار، بخشنده، مهربان و صبور که امنیت را برای زیردستان فراهم می‌کنند و سخن بدگویان، نظر آنان را در باب افراد مورد اعتماد تغییر نمی‌دهد.

بررسی موضوع اعتماد در کلیله و دمنه با استفاده از نظر جامعه‌شناسانی چون گیدنز و فوکویاما، نشان می‌دهد ضمن وجود مشترکاتی در کلیات مثلا اهمیت اعتماد، عوامل ایجادکننده و شعاع آن، تفاوت‌هایی در جزئیات دیده می‌شود که این امر به سبب تفاوت‌های بین فرهنگی است. در کلیله و دمنه، برخلاف نظر گیدنز درباره جوامع سنتی، عوامل مهارتی، خردگرایی و مبانی اخلاقی در ایجاد اعتماد به ویژه در عرصه سیاسی اهمیت زیاد دارند. هرچند مطابق نظر فوکویاما، شعاع اعتماد در کلیله و دمنه، محدود است، با شناختن میزان وفاداری، تعهد و هنر افراد، می‌توان شعاع اعتماد را گسترش داد و اعتماد خاص‌گرا را به اعتماد عام‌گرا تبدیل کرد.

پی‌نوشت

این مقاله مستخرج از نتایج طرح تحقیقاتی اجرا شده به شماره قرارداد ۱۴۰۳/۴۲ / ۱۴۱ از محل اعتبارات معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه شهرکرد است.

منابع

کتاب‌ها

- افه، کلاوس. (۱۳۸۹). *چگونه می‌توان به شهروندان اعتماد داشت؟، سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه*، به کوشش کیان تاجبخش، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: شیرازه.
- بهار، محمدتقی. (۱۳۷۳). *سیک‌شناسی (جلد دوم)*، تهران: امیرکبیر.
- پاتنام، رابرت. (۱۳۸۹). *جامعه برخوردار، سرمایه اجتماعی و زندگی عمومی، سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه*، به کوشش کیان تاجبخش، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: شیرازه.
- ریزر، مارتین و همکاران. (۱۳۸۷). *تحولات سرمایه اجتماعی: نگاهی به شواهد، مبانی سرمایه اجتماعی*، ترجمه مهدی شجاعی باغینی و همکاران، تهران: پژوهشکده مطالعات اجتماعی و فرهنگی.
- سریع القلم، محمود. (۱۳۸۹). *فرهنگ سیاسی ایران*، تهران: فرزانه روز.
- شجاعی باغینی، محمد مهدی و همکاران. (۱۳۸۷). *مبانی مفهوم سرمایه اجتماعی*، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۶). *سیک‌شناسی نثر*، تهران: نشر میترا.
- صادقی، ستار. (۱۴۰۰). *اعتماد اجتماعی؛ جادوی تعامل در جامعه مدرن*، قم: یاس بخشایش.

- فکویاما، فرانسیس. (۱۳۸۹). *سرمایه اجتماعی و جامعه مدنی، سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه*، به کوشش کیان تاجبخش، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: شیرازه.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۷). *پیامدهای مدرنیت*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: مرکز.
- محجوب، محمدجعفر. (۱۳۹۷). *درباره کلیله و دمنه*، تهران: خوارزمی.

مقالات

- آهی، محمد و مهربان ممدوح، فاطمه. (۱۳۹۳). «عمل‌گرایی (پراگماتیسم) در کلیله و دمنه»، *متن پژوهشی ادبی*، ۱۸ (۶۱)، ۶۳-۸۲.
- ارشدی، نسرین، پیریایی، صالحه. (۱۳۹۱). «اعتماد‌پذیری کارکن، قابلیت اعتماد سرپرست و اعتماد بین فردی به عنوان پیشایندهای رفتارهای انحرافی محیط کار»، *فصلنامه مشاوره شغلی و سازمانی*، ۴ (۱۳)، ۸۳-۱۰۰.
- بشیریه، حسین. (۱۳۷۵). «ایدئولوژی و فرهنگ سیاسی گروه‌های حاکم در دوره پهلوی»، *نقد و نظر*، ۲ (۷-۸)، ۷۴-۸۵.
- پاک‌نیا، زهرا، خزاعی، زهرا. (۱۴۰۲). «اعتماد معرفتی: ماهیت، گستره و کاربردهای آن»، *متافیزیک*، ۱۵ (۱)، ۷۱-۸۷.
- خیری، حسن. (۱۴۰۱). «مسأله اعتماد اجتماعی در نظام اجتماعی اسلام»، *پژوهش‌های اخلاقی*، ۱۲ (۳)، ۲۸۱-۲۶۵.
- دهقانیان، جواد. (۱۳۹۰). «بررسی کارکرد قدرت و فرهنگ سیاسی در کلیله و دمنه»، *متن‌شناسی ادب فارسی*، ۳ (۱)، ۹۱-۱۰۴.
- زارعی‌متین، حسن و همکاران. (۱۳۸۸). «نقش مؤلفه‌های فرهنگ سازمانی در اعتمادسازی: بررسی روابط بین ابعاد فرهنگی گلوب (GLOBE) و اعتماد»، *فصلنامه علوم مدیریت ایران*، ۴ (۱۵)، ۳۴-۱.
- عباس‌زاده، محمد و میرزایی، مجتبی. (۱۳۹۳). «نقش دین در توسعه شبکه اعتماد اجتماعی دانشجویان (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه تبریز)»، *فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، ۴ (۲)، ۱۹۹-۲۲۴.
- عباس‌نژاد، حسین و همکاران. (۱۳۹۹). «بررسی کارکرد رفتار سیاسی-سازمانی در حکایت شیر و گاو در کلیله و دمنه»، *دهخدا*، ۱۳ (۵۰)، ۱۹۷-۲۱۸.
- غفاری، غلامرضا، نوایی، میثم. (۱۳۸۸). «تبیین گستره و شعاع اعتماد اجتماعی در شهر کاشان»، *دانشنامه علوم اجتماعی*، ۱ (۲)، ۲۰۷-۲۳۱.

- کتابی، محمود و همکاران. (۱۳۸۹). «سنجش اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در مراکز شهرستان‌های چهارمحال و بختیاری»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۱(۴)، ۹۷-۱۲۲.
- محسنی تبریزی، علیرضا و همکاران. (۱۳۹۰). «بررسی اعتماد اجتماعی با نگاهی نسلی به جامعه»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۲(۱)، ۷۰-۷۱.
- مسعودنیا، حسین و همکاران. (۱۳۹۳). «بررسی تأثیر اعتماد اجتماعی بر شیوه‌های مختلف مشارکت سیاسی»، *مسائل اجتماعی ایران*، ۵(۲)، ۷۷-۹۴.
- میرفردی، اصغر و احمدی قارنایی. (۱۳۹۵). «بررسی رابطه گرایش دیگرخواهانه و اعتماد اجتماعی در روابط بین شخصی، مورد مطالعه ساکنان ۱۸ سال به بالای شهر یاسوج»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۷(۶۴)، ۲۷-۴۶.
- میزتال، باربارا. (۱۳۸۰). «اعتماد در جوامع مدرن، کنکاشی در اصول نظم اجتماعی»، *نماینه پژوهش*، ترجمه ناصرالدین غراب، ۵(۱۸)، ۹۷-۹۸.
- هزارجریبی، جعفر، مروتی، نادر. (۱۳۹۰). «عوامل مؤثر بر شکل‌گیری اعتماد اجتماعی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی و دانشگاه تهران)»، *برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، ۲(۷)، ۶۶-۲۷.

References

Books

- Bahar. M.T. (1994). *Stylistics*. (Vol.2). Tehran: Amirkabir.
- Fukuyama, F. (2011). *Social capital and civil society, social capital: Trust, Democracy and Development*. Translated by Tajbakhsh, K (Ed.), Khakbaz, A & Puyan, H, Tehran: Shiraz.
- Giddens, A. (1998). *Consequences of Modernity*. Salasi, M (Trans), Tehran: Center.
- Mahjoub, M.J. (2018). *About Kelileh and Demneh*. Tehran: Kharazmi.
- Offe, C. (2010). *How can we trust citizens?* In Tajbakhsh, K (Ed.), *Social capital: Trust, democracy, and development* (Khakbaz, A, Pouyan, H, Trans). Tehran: Shirazeh.
- Putnam, R. (2010). *Prosperous community, Social Capital and Public Life, Social Capital: Trust, Democracy and Development*. Translated by Tajbakhsh, K, (Ed.), Khakbaz, A, and Pouyan, H. Tehran: Shirazeh.
- Razer, M. et al. (2008). *Evolution of social capital: An evidence-based perspective, Basics of social capital*. Translated by Shojai Baghini, M. et al (Trans.), Tehran: Research Institute of Social and Cultural Studies.
- Sariolghalam, M. (2010). *Political Culture of Iran*. Tehran: Farzan Rooz.
- Shojai Baghini, M, et al. (2008). *The Basics of the Concept of Social Capital*. Tehran: Research Institute of Cultural and Social Studies.

- Shamisa, S. (2007). *Prose stylistics*. Tehran: Mitra Publishing.
- Sadeghi, S. (2021). *Social trust; The magic of interaction in modern society*. Qom: Yas Bakshaish.

Articles

- Abbasnejad, H. et al. (2019), Investigating the function of political-organizational behavior in the story of the lion and the cow in Kelileh and Demneh, *Dekhoda*, 13(50), 197-218.
- Abbaszadeh, M., & Mirzaei, M. (2014). The role of religion in the development of students' social trust network (case study: students of Tabriz University), *Culture in Islamic University*, 4(2), 224-199.
- Ahi, M. & Mehraban Mamduh, F. (2014). Pragmatism in Kelileh and Demneh", *Literary Text Research*, 18(61), 63-82.
- Arshadi, N., & Piriaei, S. (2012). Worker's trustworthiness, supervisor's trustworthiness and interpersonal trust as antecedents of deviant behaviors in the workplace", *Occupational and Organizational Counseling Quarterly*, 4(13), 83-100.
- Bashiriyeh, H. (1996). Ideology and political culture of the ruling groups in the Pahlavi period", *Naqd-o-Nazar*, 2(7-8), 74-85.
- Dehghanian, J. (2013). Investigating the function of power and political culture in Kelileh and Demneh, *Textology of Persian Literature*, 3(1), 91-104.
- Ghafari, Gh, & Navaei, M. (2008). Explaining the range and radius of social trust in Kashan, *Journal of Social Sciences*, 1(2), 207-231.
- Hezarjaribi, J, & Morovati, N. (2018). Factors affecting the formation of social trust (case study: students of Allameh. Tabatabai University and Tehran University), *Journal of Welfare Planning and Social Development*, 2(7), 27-66.
- Ketabi, M, et al. (2009). Social trust measurement and factors affecting it in the centers of Chaharmahal and Bakhtiari cities, *Applied Sociology*, 21(4), 122-97.
- Kheiri, H. (2022).The issue of social trust in the Islamic social system", *Ethical Research*, 12(3), 265-281.
- Masoudnia, H, et al. (2014). Investigating the effect of social trust on different ways of political participation, *Social Issues of Iran*, 5(2), 77-94.
- Mirfardi, A., & Ahmadi Qaranai (2015). Investigation of the relationship between altruistic tendency and social trust in interpersonal relationships, a study of residents aged 18 and over in Yasuj city, *Applied Sociology*, 27(64), 27-46.
- Pakniya, Z., & Khazaei, Z. (2023). Epistemic Trust: The Nature, Scope and its Applications, *Metaphysics*, 15(1), 71-87.